



انجمن علمی فقه‌بزرای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

Participatory Criminal Policy against Cultural Crimes

Farzaneh Nikfarjam¹, Seyed Hossein Hosseini*², Abbas Sheikholeslami³

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 439-450

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-5704-2573

TELL: +985138803000

Email: shosseini785@um.ac.ir

Article history:

Received: 28 Aug 2022

Revised: 23 Sep 2022

Accepted: 27 Dec 2022

Published online: 20 Feb 2023

Keywords:

*Cultural Crimes,
Participatory Criminal
Policy, People's
Participation, Government
Response, Community
Response.*

ABSTRACT

Cultural crimes are crimes that are committed with the main purpose of violating culture, belief, norms and custom. Participatory criminal policy is the participation of civil society at different levels with the aim of preventing and intervening the society. Regarding cultural crimes, there are two government and community responses, and the main place of public participation is in the community response. This research answers the question with descriptive analytical method and using library findings: what is the approach of participatory criminal policy against cultural crimes? Participatory criminal policy can play a significant role in controlling cultural crimes, but the capacities of public participation have not been well explained and used so far. Participatory criminal policy follows the two approaches of strengthening people's participation in government response and strengthening people's participation in community response, which in community response, the effectiveness of participatory criminal policy measures is more than measures in government response. It has various and important challenges in controlling cultural crimes that reduce its effectiveness. Cultural crimes can be divided in the form of property, behavior, dressing and expanding prostitution. Participatory criminal policy has a long way to go to achieve optimal conditions in the implementation of its goals.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Nikfarjam, F; Hosseini, SH & Sheikholeslami, A (2023). "Participatory Criminal Policy against Cultural Crimes". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(5): 439-450.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره دوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۱

سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرایم فرهنگی

فرزانه نیک‌فرجام^۱، سید حسین حسینی^{۲*}، عباس شیخ‌الاسلامی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

چکیده

جرایم فرهنگی، جرائمی هستند که افعال مادی ارتکاب آن، با هدف اصلی نقض فرهنگ، باور، هنجار و عرف صورت می‌گیرد. سیاست جنایی مشارکتی نیز، مشارکت جامعه مدنی در سطوح مختلف باهدف پیشگیری و مداخله‌گری جامعه است. در قبال جرائم فرهنگی دو پاسخ دولتی و جامعه‌ی ارائه می‌شود که جایگاه اصلی مشارکت مردمی، در پاسخ جامعه‌ی است. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از یافته‌های کتابخانه‌ای به این سؤال پاسخ می‌دهد که رویکرد سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرایم فرهنگی چیست؟ سیاست جنایی مشارکتی می‌تواند در کنترل جرائم فرهنگی نقش به‌سزایی داشته باشد ولی ظرفیت‌های مشارکت مردمی، تاکنون به‌خوبی تبیین و استفاده نشده است. سیاست جنایی مشارکتی، دو رویکرد تقویت مشارکت مردم در پاسخ دولتی و تقویت مشارکت مردم در پاسخ جامعه‌ی را دنبال می‌کند که در پاسخ جامعه‌ی، تأثیرگذاری اقدامات سیاست جنایی مشارکتی بیشتر از اقدامات در پاسخ دولتی است. چالش‌های گوناگون و مهمی در کنترل جرائم فرهنگی دارد که تأثیرگذاری آن را کاهش می‌دهد. جرائم فرهنگی در قالب اموال، رفتار، پوشش و نشر فحشا قابل‌تقسیم‌بندی است. سیاست جنایی مشارکتی، برای رسیدن به شرایط مطلوب در اجرای آرمان‌های خود، راه طولانی در پیش دارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۳۹-۴۵۰

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۲۵۷۳-۵۷۰۴-۰۰۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۵۱۳۸۸۰۳۰۰۰

ایمیل: shosseini785@um.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

جرایم فرهنگی، سیاست جنایی مشارکتی، مشارکت مردم، پاسخ دولتی، پاسخ جامعه‌ی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

اسلام به‌عنوان نشر فساد و فحشاء معرفی می‌شود، این جرائم را دارای چهره مذهبی و سیاسی می‌کند؛ زیرا فرهنگ با موضوع مذهب و سیاست درآمیخته است و بنیان‌های فرهنگی، مبتنی بر مذهب و سیاست، ساخته می‌شود (بدیع، ۱۳۷۶: ۸۸؛ بیابانی، ۱۳۸۶: ۲۱).

- جرم‌انگاری برخی از این جرائم (درواقع، همه جرائم فرهنگی به‌جز جرائم علیه اموال فرهنگی)، با اصل استقلال فردی تعارض دارد (زینالی، ۱۳۹۴: ۱۶۳-۱۷۸). مطابق این اصل، پوشش، رابطه شخصی (رابطه نامشروع، نگهداری داده مستهجن) مطابق با آزادی عقیده افراد است و هر شخص، مسیر زندگی خود را انتخاب می‌کند و با جرم‌انگاری برخی از این جرائم، این عبارت مفهوم پیدا می‌کند که «عده‌ای از افراد جامعه برای دیگران تصمیم‌گیری و تعیین تکلیف می‌کنند و قصد دارند آن‌ها را به‌اجبار، هدایت کنند».

- این جرائم برهم زنده نظم عمومی و اجتماعی است و الزامی به ارتکاب آن در سطح عمده یا کلان وجود ندارد. بلکه در یک جامعه محلی کوچک نیز قابل تحقق است (اکبری و قناد، ۱۳۹۵: ۴۴).

- دیدگاه نسبت به این جرائم، با سطح اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تغییر می‌کند. مثلاً در یک جامعه، ممکن است این جرائم از دیگر جرائم اهمیت بیشتری داشته باشد ولی در مناطق دیگر یا جوامع دیگر، این جرائم، خرد و سطحی محسوب شود و یا حتی ممکن است مذموم دانسته نشود (پرسدی، ۱۳۹۶: ۳۴).

- در برخی از این جرائم، شخص (حقیقی یا حقوقی) به‌عنوان بزه‌دیده مستقیم شناخته نمی‌شود بلکه باور جامعه بزه‌دیده مستقیم است و با جنبه فرهنگی جرائم، تفاوت دارد (آقائی، ۱۳۹۷: ۱۱۲).

اساساً نقض حقوق انسان‌ها، حیوانات، محیط‌زیست و... نوعی تداخل و تعارض فرهنگی دارد ولی نمی‌توان به‌تمامی این جرائم، وصف فرهنگی را الحاق کرد. به‌طور مثال، در جرم قاچاق انسان، کشتن حیوانات بی‌آزار و فروش گوشت آنان به‌جای دیگر حیوانات یا تخریب محیط‌زیست، اگرچه مرتکب

جرائم فرهنگی از جمله جرائمی هستند که تعریف، تعیین معیار و مصادیق آن، با دشواری روبه‌رو است و هنوز عبارت «جرائم فرهنگی» جایگاه خود را در حقوق کیفری ایران با چنین ترکیبی به دست نیآورده است. با این حال، پیشینه ارتکاب این جرائم، طولانی‌تر از هر قانون و حقوقی است و نیاز به پاسخ‌دهی نسبت به این جرائم به دلیل آثار سوء آن، از نظر شرعی، عقلی و اجتماعی، ضروری تلقی می‌شود. سؤال اصلی تحقیق این است که رویکرد سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرایم فرهنگی چیست؟ علت پرداختن به سیاست جنایی مشارکتی، این است که سیاست جنایی مشارکتی، در تلاش است تا در قبال پدیده مجرمانه، از طریق مشارکت مردم و جامعه با استفاده از ابزارهای عدالت کیفری تنبیهی و نیز عدالت ترمیمی، شرایط مناسب برای مثلث پدیده مجرمانه یعنی بزه‌کار، بزه‌دیده و جامعه فراهم کند. ویژگی اصلی سیاست جنایی مشارکتی، استفاده گسترده از جامعه مدنی است که علاوه بر نهادهای قضایی، با کمک رسانه و انجمن‌ها و شهرداری‌ها، شرایط مناسب برای برقراری نظم در جامعه را فراهم کند (لازرژ، ۱۴۰۰: ۱۶۳). این سیاست برای قبل و بعد از وقوع پدیده مجرمانه برنامه دارد ولی هدف اصلی آن، مربوط به قبل از وقوع پدیده مجرمانه است که با گسترش این اقدامات، واکنش اجتماعی متناسب را تبیین می‌کند. اگر فرهنگ جامعه، مورد تعرض قرار بگیرد، با توجه به جایگاه فرهنگ، باید نسبت به آن، اقدام متناسب صورت گیرد تا خدشه به فرهنگ و ساختارهای فرهنگی عمق پیدا نکند و شرایط اجتماعی فرهنگی، به حالت مطلوب بازگردد (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۲۴). به‌همین‌منظور لازم است تا در خصوص «سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرایم فرهنگی» با توجه به ویژگی‌های اجتماعی جرائم فرهنگی، راه‌کارهای موجود در آن شناسایی و بررسی شود. جرائم فرهنگی دارای ویژگی‌های زیر است:

- برخی از این جرائم (درواقع، همه جرائم فرهنگی به‌جز جرائم علیه اموال فرهنگی)، متأثر از مذهب و سیاست است: زمانی که موضوع حجاب و پوشش مطرح می‌شود یا ملاک رفتار مردم در اجتماع، شرع اسلامی است یا اعمال متضاد با

آن را بی‌توجه به فرهنگ و باور جامعه می‌دانیم ولی جزء جرائم فرهنگی محسوب نمی‌شود.

بدین ترتیب، ابتدا مفهوم و مصادیق جرائم فرهنگی شناسایی و تبیین می‌شود تا از طریق آن، مدل مفهومی و الگوی معیارشناسی، طراحی و بر پایه آن، راهکارهای سیاست جنایی مشارکتی معرفی شود. در ادامه، پاسخ‌ها به جرائم فرهنگی در سیاست جنایی مشارکتی بررسی می‌شود.

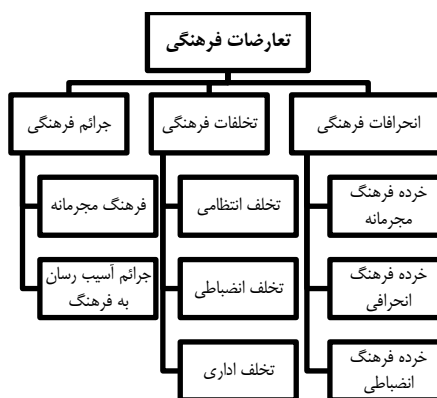
پیش از پرداختن به این بحث لازم است تا در قبال پیشینه موضوع جرائم فرهنگی، این توضیح داده شود که آثار متنوعی (آسیایی، ۱۳۹۶؛ آقائی، ۱۳۹۷؛ پرسدی، ۱۳۹۶؛ زینالی، ۱۳۹۴؛ محمدی، ۱۳۹۲؛ و ابراهیمی جرجانی، ۱۳۹۷) در تشریح و تبیین جرائم فرهنگی و یا جرم‌شناسی فرهنگی تهیه شده است که اگرچه برخی از آثار به بیان جرائم حوزه فرهنگ (زینالی، ۱۳۹۴: ۴۶-۵۲) اقدام نموده‌اند ولی کمتر اثری، به رویکرد سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرایم فرهنگی پرداخته است. از طرفی، تعریف و مصادیق جرائم فرهنگی، همچنان محل اختلاف و تبادل نظر است که پرداختن به آن را توجیه می‌کند.

۱- مفهوم و مصادیق جرائم فرهنگی در حقوق کیفری ایران
«فرهنگ» در لغت به معنی «ادب، تربیت، دانش، مجموعه آداب و رسوم، مجموعه علوم و مهارت یک قوم» است و به فرد دارای فرهنگ، با فرهنگ گفته می‌شود (معین، ۱۳۸۵: ۷۲۹). فرهنگ دارای مفهومی اجتماعی و عرفی است که عناصر تشکیل‌دهنده آن عبارت است از باورها، ارزش‌ها، هنجارها، انگارهای رفتاری، تعارض نقش‌ها و منزلت اجتماعی که در هر جامعه‌ای و قومیتی تفاوت دارد (آقائی، ۱۳۹۷: ۴۷). منظور از جرائم فرهنگی، فعل یا ترک فعل یا حالت یا رفتاری است که ناشی از بی‌توجهی و تعارض با فرهنگ عامه و مسلم جامعه صورت می‌گیرد. این فرهنگ باید دارای ویژگی‌های مقبولیت و مشروعیت در جامعه باشد و حسن ذاتی و عقلی بر آن صادق باشد. در جرائم فرهنگی، فرهنگ جامعه بزه‌دیده مستقیم است و رکن مادی جرم، با صفت نقض فرهنگ جامعه، همراه است؛ مانند جرائم اقتصادی که نظم اقتصادی جامعه به‌عنوان بزه‌دیده و رکن مادی آن، نقض شرایط

اقتصادی مبتنی بر تزویر است (گسن، ۱۳۹۲: ۲۶). مانند جرائم اخلاقی که اخلاق، بزه‌دیده و رکن مادی این جرائم، نقض اخلاق است (سجادی، ۱۴۰۰: ۱۷). البته جرائم فرهنگی برخلاف دو گونه جرائم اقتصادی و اخلاقی، دارای جرم‌شناسی خاص و اختصاصی است. «جرم‌شناسی فرهنگی»، دربرگیرنده دیدگاه‌ها و گرایش‌ها موجود در جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و عدالت کیفری است و نقش ساختارهای فرهنگی در وقوع جرم را بررسی می‌کند. (فرهنگ مجرمانه) با کمک جرم‌شناسی فرهنگی، می‌توان تحلیلی فرهنگی از بزهکاری نمود و مطالعاتی در دو محور جرم‌شناسی و آموزه‌های فرهنگی صورت داد (گسن، ۱۳۷۰: ۴۱). جرم‌شناسی فرهنگی، با استفاده از نگرش فرهنگی و اجتماعی، سعی دارد تا چگونگی رخداد یک جرم را باوجود برنامه‌هایی که برای کاهش بزهکاری طراحی شده‌اند توضیح دهند و نیز به چگونگی شکل‌گیری انحرافات و انشعابات فرهنگی و مقاومت آن‌ها در برابر قوانین کیفری پی ببرد (آقائی، ۱۳۹۷: ۳۱).

تعارضات فرهنگی که به دو شیوه بزه و انحراف به وجود می‌آیند، دارای انواع مختلفی است که به سه دسته بزه فرهنگی کیفری و تخلف فرهنگی کیفری و انحرافات فرهنگی کیفری تقسیم می‌شود. تخلفات فرهنگی کیفری به سه‌شاخه تخلف انتظامی فرهنگی، تخلف انضباطی فرهنگی و تخلف اداری فرهنگی تقسیم می‌شود. گونه‌های انحراف فرهنگی عبارت‌اند از: خرده‌فرهنگ مجرمانه، خرده‌فرهنگ انحرافی و خرده‌فرهنگ انضباطی. بزه فرهنگی نیز دارای دو ضابطه جرم‌شناختی و فرهنگ است که بنا بر ضابطه جرم‌شناختی، انگیزه مرتکب، آثار رفتار وی و محیط ارتكابی جرم به شناخت جرم فرهنگی کمک می‌کند و مطابق با ضابطه فرهنگی، هر عمل نابهنجاری که متعارض با شوون و فرهنگ جامعه باشد، چهره این جرائم را معرفی می‌کند. اگر نابهنجاری در قانون، جرم‌شناخته شود و تدابیر کیفری برای آن اتخاذ شود، جرم یا بزه فرهنگی است و اگر تخلف محسوب شود و مجازات انتظامی یا انضباطی داشته باشد، تخلف فرهنگی است.

مدل مفهومی ۱: اقسام تعارضات فرهنگی



از میان تعارضات فرهنگی فوق، خرده فرهنگ مجرمانه از زیرمجموعه انحرافات فرهنگی و شاخه جرائم فرهنگی، محور اصلی این تحقیق است. گستردگی مفهوم و قلمرو فرهنگ، موجب می‌شود تا دسته‌بندی این جرائم، همواره با چالش روبه‌رو باشد. با این حال، جرائم فرهنگی، ممکن است در قبال اموال فرهنگی باشد که تخریب، سرقت، حفاری غیرمجاز، فعالیت‌های بدون مجوز، قاچاق نسبت به اموال تاریخی، باستانی، فرهنگی، مذهبی است. (مواد ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۳ و ۵۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵) همچنین ممکن است این جرائم فرهنگی مبتنی بر رفتار متعارض فرهنگی باشد که عبارت‌اند از: توهین، مزاحمت برای بانوان و اطفال، رابطه نامشروع، عدم رعایت حجاب شرعی، اعمال منافی عفت، مزاحمت به‌وسیله تلفن و مخابرات، انتشار تصاویر مستهجن (مواد ۶۰۷، ۶۱۹، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۱ و ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و مواد مربوط در قانون جرائم رایانه‌ای ۱۳۸۸). البته موضوعات مختلف در قوانین خاص مانند قانون مطبوعات ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی، قانون نحوه مجازات فعالیت در امور سمعی و بصری ۱۳۸۶ و قانون ممنوعیت به‌کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره ۱۳۸۳ نیز به حوزه فرهنگ ارتباط دارد (زینالی، ۱۳۹۴: ۴۶) که با تعریفی که در این تحقیق از جرائم فرهنگی ارائه شده است، استفاده از ماهواره یا نشر اکاذیب در مطبوعات را جرم فرهنگی محسوب نمی‌شود و دارندگان دستگاه دریافت‌کننده ماهواره را ناقض فرهنگ جامعه تصور نمی‌شوند؛ زیرا اگر قرار باشد هر موضوع مجرمانه‌ای، از زاویه فرهنگی به آن

نگریسته شود، چالش وسعت مفهوم و قلمرو فرهنگ، موجب گستردگی جرائم فرهنگی می‌شود. از طرفی، ارتکاب این جرائم، اگرچه جنبه فرهنگی دارد ولی در برخی از این موارد، حمایت از فرهنگ، هدف ثانویه قانون‌گذار است. به‌عبارت‌دیگر، در این موارد، چهره عنصر مادی جرائم، صرفاً فرهنگی نیست اگرچه امنیت فرهنگی از طریق ماهواره و امثال آن، مورد تعرض قرار می‌گیرد. (برای مطالعه نظر مخالف، رک. به: زینالی، ۱۳۹۴: ۴۸-۵۰ و جلالیان و ایل زکی، ۱۳۹۶) با این حال، علاوه بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، مواد مربوط به تهیه و انتشار آثار مستهجن یا مبتذل خانوادگی و سوءاستفاده از آن، در زمره جرائم فرهنگی قرار می‌گیرد (مواد ۳، ۴، ۵ و ۱۰ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند ۱۳۸۶). موضوع شرب خمر و مصرف مشروبات الکلی نیز که از نظر برخی از محققان به‌عنوان خرده فرهنگ مجرمانه (محمدی، ۱۳۹۷) یا جرم فرهنگی (زینالی، ۱۳۹۴: ۳۱۴) معرفی شده است، در این تحقیق به‌عنوان جرم فرهنگی محسوب نمی‌شوند؛ زیرا فرهنگ جامعه با مصرف مشروبات الکلی بزه‌دیده نمی‌شود و منطبق بر تعریف مذکور در این تحقیق نیست. درنهایت آن‌که از تعبیر برخی از جرم‌شناسان نیز نباید غافل شد که جرائم فرهنگی، کارناوالی (جشنواره - مجموعه) از جرائم مختلف است که بسترهایی مانند مصرف‌گرایی و لذت بردن از جرم دارد و زاده سرمایه‌داری و خانواده ضعیف و آموزش نامناسب است که از رفتارهای منحرفانه به اعمال مجرمانه می‌رسد (پرسدی، ۱۳۹۶: ۲۱). درنهایت، خرده فرهنگ مجرمانه و جرائم فرهنگی به اقسام زیر تقسیم شده است:

رویکردی تعامل‌گرا مبتنی بر آرمان و واقعیت است (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۲۵).

باید به این مطلب نیز توجه کرد که پیشگیری از جرم و انحراف در سه سطح صورت می‌گیرد: سطح نخست، سطح عمومی است که در این سطح، سه ابزار رسانه، آموزش (پیشگیری رشد مدار) و فضای مجازی، می‌تواند باور فرهنگی در قبال جرائم فرهنگی را تشریح و ترویج دهد. به عبارت دیگر اگر پیام بازرگانی مبتنی بر پیشگیری از جرم پخش می‌شود مانند آنکه در زمان عصیانیت، کظم غیظ نموده یا خشونت نداشته باشید و... برای همه افراد در سطح عمومی، قابل درک باشد و مخصوص گروه خاصی نباشد. سطح دوم، پیشگیری از جرم و انحراف برای گروه‌های خاص است که عبارت‌اند از اطفال، زنان، سالمندان، معلولین، بیماران، اقلیت‌های مذهبی، مهاجرین و افراد محجور (مجنون و سفیه). در قبال هر گروه، اگرچه ابزار رسانه، آموزش و فضای مجازی کاربرد دارند ولی سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های خاص حمایتی که متشکل از آحاد جامعه است، نقش مناسب خود را ایفا می‌کند (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۱۲۹-۱۳۴). به‌طور مثال، در خصوص افرادی که ترک اعتیاد کرده‌اند، سازمان‌های مردم‌نهاد یا گروه خاص اقدام به بررسی مشکلات آنان و حمایت از آنان نموده و با برگزاری جلسات مختلف، انگیزه و شرایط آنان را رصد می‌کند و نوعی کنترل اجتماعی از جرم و انحراف صورت می‌گیرد. سطح سوم، پیشگیری از جرم و انحراف در مدیریت شهری است که این موضوع با اقتصاد شهری، معماری شهری، مشاغل شهری و تعامل شهروندان با بزهکار، همراه است. این سطح، انعکاس شهر عدالت‌ترمیمی است (شیری، ۱۳۹۶: ۷۹) که پیشگیری از جرم را از تمامی ارکان شهر، انتظار دارد و در تلاش است تا هیچ‌گاه موضوع به نظام عدالت کیفری واگذار نشود بلکه از پیش‌آمد آن خودداری کند و در صورت بروز و ارتکاب، با مداخله جامعه مدنی، پدیده مجرمانه را در جامعه کنترل کند.

به‌طور مثال، در صورت بروز تصادف میان دو خودرو (بدون آسیب جسمانی به انسان یا حیوان)، جامعه مدنی آموزش می‌دهد که رانندگان خودرو، هیچ نیازی به پیاده شدن و یا

با آثار جرم و با نظر داشتن به قضاوت جامعه در قبال پدیده مجرمانه با توجه به هنجارهای جامعه از طریق جامعه ارائه می‌دهد. در پاسخ جامعه سه مطلب وجود دارد:

در گام اول، به شرایط بزهکار و بزه‌دیده توجه می‌شود و ابتدا این سؤال را پاسخ می‌دهد که آیا بزه‌دیده در قربانی شدن خود نقش داشته است؟ اگر پاسخ منفی است، شرایط بزهکار مورد تحلیل قرار می‌گیرد ولی اگر پاسخ مثبت است، تأثیر بزه‌دیده در قربانی شدن فراموش نمی‌شود. در گام دوم، اثر بزه مورد سنجش قرار می‌گیرد که آیا نظم عمومی جامعه، مختل شده است و یا دعوی با یک عذرخواهی بزهکار از بزه‌دیده، پایان می‌یابد. اگر نظم عمومی از بین نرفته است، جرم‌زدایی صورت گرفته و موضوع از طریق مصالحه و تفهیم اقدام نامناسب بزهکار، از طریق حاضرین در صحنه جرم، مختومه می‌شود. در این مرحله نیز، هیچ اثری از قوای امنیتی و قضایی نیست. ولی اگر نظم عمومی جامعه مخدوش شده است، ابتدا نظم عمومی برقرار شده و سپس به آثار جرم در جامعه عمومی توسط افراد جامعه پرداخته می‌شود. در گام سوم نیز اگر موضوع با تسامح و مصالحه خاتمه نیافت، جامعه مدنی، کیفر رساندن بزهکار یا مصالحه میان این افراد را از نظام عدالت کیفری درخواست می‌کند. نظام عدالت کیفری نیز با جلب نظر جامعه و با مشارکت مردمی و درک تأثیرگذار بودن اقدام بزه‌دیده یا عدم تأثیرگذاری وی، کیفری متناسب که شرایط بحرانی برای بزهکار ایجاد نکند، انتخاب می‌کند؛ مانند این که از بزهکار جرم توهین بخواهد کتابی یا مجموع احادیث در راستای توهین از نظر شرع مقدس و حقوق ایران یا حقوق تطبیقی بخواند یا بنویسد. یا این که در دو پرونده توهین، برای جلب رضایت شاکی تلاش کند.

آنچه در این پاسخ جامعه مشاهده گردید، می‌تواند هم رویکردی کیفررسان و هم رویکرد پیشگیرانه داشته باشد که در هر دو حالت، تعامل با بزهکار و بزه‌دیده صورت می‌گیرد. تقابل با بزهکار، عمدتاً در پاسخ دولتی صورت می‌گیرد که در برخی از جرائم فرهنگی، این موضوع مورد نیاز است. لذا رویکرد سیاست جنایی مشارکتی در کنترل جرائم فرهنگی،

را داشته باشند. این موضوع نیز نوعی حمایت از بزه‌دیدگان در جرائم است (گارلند، ۱۳۹۵: ۲۶۳).

انتقاداتی به دو مسیر مذکور وارد است. نخست آن که تقویت مشارکت مردم در شناسایی مجرم یا تقاضای پاسخ دولتی، اختصاص به جرائم فرهنگی ندارد و استفاده از این راهکارها در برخی از جرائم فرهنگی قابل تسامح (مانند رابطه نامشروع دو فرد مجرد) منجر به تشدید وضعیت می‌شود و نمی‌توان میان جرائم فرهنگی قابل تسامح و غیرقابل تسامح، تفاوت ایجاد کرد. به‌طور مثال، هدف فرعی از استفاده از دوربین درب منزل شخصی، اگرچه قصد شناسایی قاچاقچی اموال فرهنگی بوده است ولی از آن برای شناسایی افراد فاقد حجاب شرعی در خیابان استفاده می‌گردد. ایراد دوم آن است که وقتی قانون‌گذار نسبت به برخی از موضوعات فرهنگی، جرم‌زدایی نکرده است، تسامحی دانستن یا عدم آن، امری بی‌فایده است؛ زیرا تمامی جرائم مبتنی بر اصل قطعیت کیفر و اصل قانونی بودن جرائم و مجازات است.

بدین ترتیب با دخالت سازمان‌های مردم‌نهاد در امر پاسخ‌دهی کیفری، مشارکت مردمی در راستای عدالت ترمیمی صورت نمی‌گیرد بلکه مشارکت مردمی، بازوی عدالت تنبیهی می‌شود. درنهایت باید بر این نکته تأکید کرد که پاسخ دولتی همواره تضعیف‌کننده مشارکت مردمی است و مشارکت مردمی را در پیشگیری از جرم نمی‌توان تبیین کرد؛ بلکه پس از ارتکاب جرم، مشارکت مردمی قابل تقویت است. لذا این رویکرد، در رویه عملی، نمی‌تواند توفیقاتی داشته باشد (زینالی، ۱۳۹۴: ۱۲۹) و چسباندن نقش مردم به پاسخ دولتی، الحاقی ناکارآمد است.

۲-۲- تقویت مشارکت مردم در پاسخ جامعوی

در پاسخ جامعوی، علت‌شناسی از ارتکاب جرم، تناسب‌سازی میان جرم و کیفر و رسیدگی تسامحی و مداخله‌گری افراد جامعه، صورت می‌گیرد. مشارکت مردم در پاسخ جامعوی به اشکال زیر بروز می‌کند ولی لازم است پیش از پرداختن به تقویت مشارکت مردم در پاسخ جامعوی به این سؤال پاسخ داده شود که آیا این تعامل مردمی در پاسخ جامعوی، به کنترل جرائم فرهنگی اختصاص دارد یا در قبال سایر جرائم

فرار کردن از صحنه جرم ندارند بلکه کافی است با پلیس تماس بگیرند تا آنان مقصر را مشخص کرده و خسارت آن از طریق بیمه به ساده‌ترین و سریع‌ترین طریق، پرداخت شود. در این پرونده، هیچ پدیده مجرمانه‌ای مشاهده نمی‌شود ولی اگر آموزش در خصوص فرار نکردن از صحنه جرم یا نیاز نبودن به پیاده شدن از خودرو به رانندگان خودرو آموزش داده نمی‌شد، ممکن بود همین تصادف، زمینه قتل یا حداقل توهین با استفاده از الفاظ رکیک و ناموسی شود و خشونت در جامعه را افزایش دهد (شیری، ۱۳۹۶: ۲۷۴).

باین‌حال، همواره به سیاست جنایی مشارکتی و عدالت ترمیمی این ایراد وارد است که در موضوعات خشن یا نشر فساد مانند آنکه فردی از دیگری، آثار مستهجن تهیه کرده و مدام وی را تهدید کرده و آخادی می‌کند، جایگاهی برای جامعه مدنی نمی‌توان قائل بود. یا در جرائم علیه اموال فرهنگی مانند قاچاق یا رابطه نامشروع زنان متأهل، تسامح صفر مطرح می‌شود و مراحل مختلف سیاست جنایی مشارکتی، موردتوجه نیست (شیری، ۱۳۹۶: ۲۷۹). برای این شرایط، دو پاسخ داده شده است که نخست، تقویت مشارکت مردم در پاسخ دولتی به جرم و انحراف و دوم تقویت مشارکت مردم در پاسخ جامعوی به جرم و انحراف است که در ادامه، راهکارهای تقویت مشارکت مردمی در قبال موضوعات خشن، ناموسی یا مالی، بررسی می‌شود.

۱-۲- تقویت مشارکت مردم در پاسخ دولتی

مشارکت مردم در پاسخ دولتی به جرم و انحراف در دو مسیر شناسایی و تقاضای پاسخ صورت می‌گیرد. بدین‌صورت که با گزارش بزه‌دیدگی در موضوعات غیرقابل تسامح، مشارکت مردمی می‌تواند تقویت شود و شناسایی مجرم به عمل آید. به‌طور مثال، جامعه مدنی با نصب دوربین در مکان‌های اختصاصی خود، می‌تواند درزمینه شناسایی مجرم، نقش‌آفرینی کنند. البته به‌نحوی که با اصل استقلال فردی تعارض نداشته باشد و یا امنیت‌گرایی در جامعه را تشدید نکند. علاوه‌براین، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در فرایند دادرسی دخالت نموده و تقاضای رسیدگی به پدیده مجرمانه

مردمی امر به معروف و دخالت خواندن آن، به وفور وجود دارد.) یا در حمایت اقتصادی و پوشش‌های مدنی، باید نظارت بر آن صورت گیرد تا بزه دیگری از درون آن شکل نگیرد (در موضوع زلزله استان کرمانشاه و شهر سرپل ذهاب در ۱۸ آبان ۱۳۹۸، ۱۴۶ پرونده کلاهبرداری تحت عنوان پوشش مردمی کمک به زلزله‌زدگان در استان تهران تشکیل شده است.) لذا مشارکت مردمی باید از طریق تهیه زیرساخت‌ها و شرایط مطلوب صورت گیرد. در غیر این صورت، این مشارکت، تأثیر حداکثری خود را نخواهد داشت.

یکی دیگر از جلوه‌های مشارکت مردم، نظارت در مدیریت شهری است. به طور مثال، اگر فساد یا جرمی ارتکاب یابد، مشارکت مردم در نظارت بر مدیران و کارکنان مؤثر است (برای مطالعه قانون سه ضربه‌ای و سپس اخراج، ر.ک. به: رضوانی، ۱۳۹۱: ۲۰۷-۲۰۹). ولی این موضوع در کنترل جرائم فرهنگی از طریق مطالبه‌گری از نظام‌مهندسی و مدیریت شهری است؛ یعنی مکان‌های مستعد برای ارتکاب برخی از جرائم فرهنگی مانند مزاحمت، توسط مردم مورد شناسایی و از مدیریت شهری مطالبه پیشگیری می‌شود. در خصوص این‌که سازمان‌های مردم‌نهاد، جزء برنامه‌ها یا ابزارهای عدالت ترمیمی است، اختلاف نظر وجود دارد. بدین معنا که در آثار مربوط به عدالت ترمیمی، به این موضوع اشاره نشده است (ر.ک. به: سماواتی پیروز، ۱۳۸۵ یا رحیمی نژاد، ۱۳۹۷) و این موضوع را در قالب مشارکت جامعه مدنی یا هیأت‌های جمعی می‌دانند و برخی، این موضوع را به عنوان یک موضوع مستقل مطرح می‌کنند. علت مستقل دانستن این موضوع این است که در حقوق ایران به تازگی در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، آمده است که از گروه‌های خاص، در راستای حمایت از حقوق شهروندی، اقامه و تعقیب فرایند دادرسی را عهده‌دار شده و کسب رضایت از بزه‌دیده نیز از وظایف این سازمان‌ها است که در تبصره ۱ این ماده آمده است. به نظرمی رسد «سازمان‌های مردم‌نهاد» یا «سازمان عمومی غیردولتی» یا «سَمَن» را می‌توان یکی از کنشگران غیررسمی دانست که در کشف و پیگیری فساد نیز مؤثر است. داوطلبانه بودن، صلح‌طلب بودن، حل اختلافات، اقدامات خیرخواهانه از مهم‌ترین ویژگی‌های این سازمان‌ها

نیز همین مطالب بازگو می‌شود؟ اگرچه این موضوع انحصاراً به جرائم فرهنگی مختومه نمی‌شود ولی تأثیر اصلی مشارکت مردمی در جرائمی است که توسط عموم افراد جامعه قابل ارتکاب است و دامنه مرتکبین آن از سایر جرائم بیشتر است. لذا نمی‌توان به اختصاصی بودن این مسیر اذعان کرد ولی می‌توان بر تأثیرگذاری حداکثری آن در کنترل جرائم فرهنگی تأکید نمود. اکنون اشکال سه‌گانه مشارکت مردمی در پاسخ جماعی برای کنترل جرائم فرهنگی بررسی می‌شود.

زمانی که یکی از بانوان جامعه، قربانی جرم مزاحمت شود، مشارکت مردمی در حمایت از بزه‌دیده به عمل آمده و ابتدا با ترس قربانی جرم از طریق التیام شرایط روانی وی صورت می‌گیرد. سپس راهنمایی برای بهره‌مندی از پاسخ دولتی یا برای مقابله با تکرار جرم، تکرار بزه‌دیدگی و بزه‌دیدگی ثانویه، به عمل می‌آید. بدین ترتیب، حمایت اجتماعی از قربانی با مشارکت مردمی محقق می‌شود. از طرفی اگر قربانی جرم، نیاز به حمایت اقتصادی داشته باشد، مشارکت مردمی در قالب پوشش، به نیاز اقتصادی قربانی جرم، پاسخ می‌دهند و حمایت اقتصادی نیز صورت می‌گیرد. این موضوع منحصر به جرائم فرهنگی دارای بزه‌دیده نیست. بلکه در جرائم فاقد بزه‌دیده مستقیم مانند جرائم علیه اموال فرهنگی یا جرائمی مانند عدم رعایت حجاب شرعی، اعمال منافی عفت و انتشار تصاویر مستهجن، اگرچه بزه‌دیده مستقیم و شخصی برای آن قابل ذکر نیست ولی مشارکت مردمی موجب بازسازی اجتماعی در این گروه از جرائم فرهنگی نیز می‌شود. بدین صورت که جامعه و مردم در تلاش می‌کنند تا آثار جرائم مذکور، نسبت به اطفال یا گروه‌های خاص مطابق تعلیمات پیشگیری اجتماعی جامعه مدار، صورت گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۲۴۴).

مشارکت مردمی بدون توجه به زیرساخت‌های فرهنگی (نظری یا تئوری) و عملیاتی (ساختاری) غیرممکن است زیرا با اصل استقلال فردی تعارض دارد و موجب برهم زدن نظم عمومی می‌شود. به طور مثال، امر به معروف و نهی از منکر، اگر در جامعه نهادینه نشود، به عنوان دخالت در زندگی فردی معرفی می‌شود (در فضای مجازی مشاهده می‌شود که موارد

شرایط حمایتی و مشارکتی را فراهم سازد. نهایت آن که در سیاست جنایی مشارکتی به جرائم خشونت‌بار فرهنگی یا جرائم فرهنگی مبتنی بر حیثیت فرد یا خانواده، به دلیل عدم امکان گسترش مشارکت مدنی، نقاط ضعفی مشاهده می‌شود که تاکنون هیچ محققى در این رابطه، اظهارنظر نکرده است و باید منتظر بود که پویایی و فعال بودن سیاست جایی مشارکتی در این زمینه ترسیم شود یا نظر به ایستایی و منفعل بودن آن، بدیهی و آشکار شود.

نتیجه‌گیری

هدف از انجام این تحقیق، بررسی رویکرد «سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرایم فرهنگی» است که برای این منظور، مدل مفهومی در گونه‌های جرائم فرهنگی تهیه شد و مطابق آن، چهار دسته از جرائم فرهنگی در سیاست جنایی تقنینی ایران شناسایی و دسته‌بندی شد. مطابق این مدل مفهومی، منظور از جرائم فرهنگی، جرائم علیه اموال فرهنگی، جرائم مربوط به رفتار، جرائم مربوط به پوشش و جرائم مربوط به نشر فحشا است که در سه قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، قانون جرائم رایانه‌ای ۱۳۸۸ و قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند ۱۳۸۶ جرم‌نگاری صورت گرفته است و سایر موضوعات به‌عنوان جرم فرهنگی مقبول دانسته نشد. ملاک در تعیین جرم فرهنگی، این است که هدف و آثار جرائم فرهنگی، نقض فرهنگ، باور و هنجار و عرف جامعه باشد. سیاست جنایی مشارکتی نیز، دخیل ساختن مشارکت مردمی را دنبال می‌کند که هدف اصلی این سیاست، پیشگیری (اجتماعی) است. سؤال اصلی تحقیق این بود که رویکرد سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرایم فرهنگی چیست؟ که نتیجه نهایی این است که تقویت مشارکت مردمی در پاسخ جامعوی در قبال جرائم فرهنگی، (برخلاف تقویت مشارکت مردمی در پاسخ دولتی)، مؤثر و مطلوب است برخلاف تقویت مشارکت مردمی در پاسخ دولتی. از طرفی، سیاست جنایی مشارکتی، در حال حاضر، با چالش‌های جدی روبه‌رو است و تداخل با اصل استقلال فردی یا افزایش اقتدارگونه امنیت‌گرایی از یک‌سو و از سوی دیگر، عدم تشریح جایگاه مشارکت مردمی در جرائم خشونت‌بار یا فاقد بزه‌دیده مستقیم یا در جرائم

است. این سازمان‌ها، در معنای عام به مفهوم سازمانی است که قسمتی از ساختار دولت محسوب نمی‌شود ولی به‌عنوان واسطه بین تمام افراد جامعه و قوای حاکم و همچنین بین ساخت‌های متکثر جامعه نقش مهمی ایفا می‌کند. درواقع می‌توان استقلال سازمان‌های مردم‌نهاد از دولت را مهم‌ترین و باارزش‌ترین امتیاز این سازمان‌ها محسوب کرد که به آن‌ها کمک می‌کند بدون نیاز به فرآیندهای اداری و با استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی برای تحقق اهداف خود تلاش کنند. سازمان‌های مردم‌نهاد به‌صورت غیرانتفاعی و برای اهداف غیرسیاسی و غیرتجاری تشکیل می‌شوند. این سازمان با توجه به آیین‌نامه تشکلهای مردم‌نهاد که در شهریورماه ۱۳۹۵ در هیأت دولت به تصویب رسید، سازمان نهاد غیرسیاسی و غیرانتفاعی بوده و با رویکردی اجتماعی توسط جمعی از اشخاص حقیقی به شکل داوطلبانه تشکیل و اداره می‌شود. خیریه‌ها در سراسر دنیا به‌عنوان یکی از سازمان‌های مردم‌نهاد فعالیت می‌کنند که اهدافی مثل کاهش فقر یا تبعیض را در نظر دارند. نظام‌مندی خیریه‌ها می‌تواند فعالیت‌های آنان را اثربخش‌تر و مستحکم‌تر سازد (بابایی و صفایی آتشکده، ۱۳۹۳: ۸۱-۱۰۶؛ رضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۳۹-۱۶۸؛ سودمند راد، ۱۳۹۵: ۶۰-۶۵). نکته نهایی در خصوص کنترل جرائم فرهنگی در سیاست جنایی مشارکتی، چالش‌های مشارکت مردمی است که از یک‌سو ممکن است موجب تضییع حقوق بزه‌دیده یا بزه‌کار شود و از طرفی، مسیر عدالت از منهج اصلی خارج شود. زمانی که مردم در موضوعات مختلف، مانند برخورد نامناسب پلیس به هنجارشکنان پوشش و لباس، عکس‌العمل نشان می‌دهد ممکن است اسیر هیجانات یا سایر وقایع قرار بگیرند و از هدف اصلی خارج شوند. یا این‌که با انتشار مطالب در راستای جذب مشارکت مردمی، اطلاعات ناصحیح شایع شود و به حقوق معنوی یا حتی مادی افراد صدمه وارد آید. این موضوع نشان از عدم مدیریت در جذب مشارکت مردمی است که باید به آن توجه کرد. چالش دیگر این است که سیاست جنایی مشارکتی به‌تنهایی نمی‌تواند کنترل‌کننده جرائم فرهنگی باشد. باید از سیاست جنایی تقنینی و قضایی در پاسخ دولتی به جرائم فرهنگی کمک بگیرد و با سیاست جنایی مشارکتی،

- فرهنگی مبتنی بر حیثیت، مهم‌ترین چالش‌های سیاست جنایی مشارکتی است.
- ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.
- تعارض منافع:** این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد است.
- سهام نویسندگان:** نگارش مقاله به صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.
- تشکر و قدردانی:** از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.
- تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.
- منابع و مأخذ**
- آسیایی، رؤیا (۱۳۹۶). *درآمدی بر جرم‌شناسی فرهنگی*. تهران: مجد.
- آقائی، سارا (۱۳۹۷). *تحلیل جرم در جرم‌شناسی فرهنگی*. تهران: میزان.
- ابراهیمی جرجانی، حدیث (۱۳۹۷). *واکاوی تدابیر تقنینی و قضایی در قبال جرائم فرهنگی*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، شاهرود: دانشگاه آزاد اسلامی.
- اکبری، مسعود و قناد، فاطمه (۱۳۹۵). *پاسخ دولتی به انحراف در سیاست جنایی ایران*. تهران: مجد.
- امانی، مجتبی (۱۳۹۵). *ارزیابی مداخلات کیفری در حوزه پوشش جوانان از منظر جرم‌شناسی فرهنگی*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، مشهد: دانشگاه آزاد اسلامی.
- بابایی، جابر و صفائی آتشگاه، حامد (۱۳۹۳). «جایگاه قانونی مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم در ایران». *نشریه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۳۳: ۸۱-۱۰۶.
- بدیع، برتران (۱۳۷۶). *فرهنگ و سیاست*. ترجمه احمد نقیب زاده، تهران: دادگستر.
- بیابانی، غلامحسین (۱۳۸۶). *جرم و فرهنگ*. تهران: آگاه.
- پرسدی، مایک (۱۳۹۶). *جرم‌شناسی فرهنگی و کارنوال جرم*. تهران: میزان.
- جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۴). *سیاست جنایی مشارکتی*. تهران: میزان.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۷). *سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی*. به کوشش امیرحسین نیازپور و با دبیاچه حسین میرمحمدصادقی، تهران: میزان.
- جوان جعفری، عبدالرضا و ساداتی، محمدجواد (۱۳۹۴). *ماهیت فلسفی و جامعه‌شناسی کیفر*. تهران: میزان.
- دلماس مارتی، می‌ری (۱۳۹۸). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*. تهران: میزان.
- ذکایی، سعید (۱۳۹۲). *جرم‌شناسی فرهنگی و مسأله جوانان*. تهران: آگاه.
- رحمت، محمدرضا (۱۳۹۰). *پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی*. تهران: میزان.
- رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۹۷). *رویکردهای نوین در جرم‌شناسی انتقادی و سیاست جنایی*. تهران: مجد.
- رضوانی، سودابه (۱۳۹۱). *مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم*. تهران: میزان.
- رضوانی قوام آبادی، محمدحسین (۱۳۹۶). «حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری». *نشریه حقوقی دادگستری*، ۹۹: ۱۳۹-۱۶۸.
- زینالی، امیرحمزه (۱۳۹۶). *جرم‌انگاری در حوزه فرهنگ*. تهران: مجد.

- ساداتی، سید محمدجواد (۱۳۹۸). مجازات و کنترل اجتماعی. تهران: میزان.
- سجادی، سیدعماد (۱۴۰۰). تحولات اجتماعی و جرائم اخلاقی و تأثیر آن بر رویه قضایی. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- سودمندراد، امیر (۱۳۹۵). «نقش حمایتی سازمان‌های مردم نهاد در فرایند رسیدگی کیفری». نشریه دادرسی، ۱۱۸: ۶۰-۶۵.
- شیرینی، عباس (۱۳۹۶). عدالت‌ترمیمی. تهران: میزان.
- گارلند، دیوید (۱۳۹۵). مجازات و جامعه مدرن. ترجمه نبی اله غلامی، تهران: میزان.
- گسن، رمون (۱۳۷۰). جرم‌شناسی نظری. تهران: مجد.
- گسن، رمون (۱۳۹۲). جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی (نظریه عمومی‌تزویر). ترجمه شهرام ابراهیمی، تهران: میزان.
- لازرژ، کریستین (۱۴۰۰). درآمدی بر سیاست جنایی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
- محمدی، اقبال (۱۳۹۲). عامل‌شناسی فرهنگی جرم و راه‌های پیشگیری از آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- محمدی، فاطمه (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دختران نوجوان به خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه در شهر مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، مشهد: دانشگاه آزاد اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۸۵). فرهنگ نامه فارسی. تهران: سرایش.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱). تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی. مقطع دکتری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.